

سبک‌شناسی کتاب «مختصر تاریخ دمشق»

مهدی غلامعلی*

چکیده

شهرت ابن منظور، به تألیف لغت‌نامه بزرگ لسان العرب است. ولی وی تنها در ادبیات متوقف نشده است بلکه در علوم گوناگون آن روز، نظیر رجال و حدیث نیز تلاش‌های سترگی را به منصه ظهور رسانده است. ابن منظور، در نگارش‌هایش دو شیوه به ظاهر مخالف را در پی گرفته است: نخست، تلخیص یا کوتاه‌نگاری کتاب‌های جامع، و دوم، جامع‌نگاری.

آن چه پیش روی شماست، بررسی شیوه تلخیص وی از کتاب تاریخ دمشق است. نویسنده مختصر تاریخ دمشق، در تلخیص کتاب مفصل ابن عساکر، چنان هنرنمایی کرده است که این اثر را در شمار بهترین نگارش‌های حدیثی - رجالی قرار داده است. به نظر می‌رسد بررسی شیوه‌های کوتاه‌نگاری دانشیان بزرگی چون ابن منظور، می‌تواند در چگونگی تلخیص آثار حدیثی در عصر حاضر یاری‌رسان باشد. کلید واژه‌ها: مختصر تاریخ دمشق، ابن منظور، تاریخ دمشق، ابن عساکر، تلخیص.

بخش اول: مؤلف

۱. نام و تبار ابن منظور

جمال الدین ابوالفضل محمد بن مکرم علی^۱ بن احمد انصاری رُویفَعی، متولد محرم ۶۳۰ ق و در گذشته به شعبان ۷۱۱ ق است (الدُرَرُ الکامنه فی أعیان المأة الثامنة، ج ۵، ص ۳۱). دو کنیه مشهور او «ابن منظور» و «ابن مکرم» است. و از آن رو که نیای اعلای او «رُویفَع بن ثابت انصاری» (م ۵۶ ق) صحابی پیامبر خدا □ است، او را رُویفَعی (رویفع بن ثابت سکن بن

* عضو هیئت علمی دانشکده علوم حدیث.

۱. برخی به جای علی، رضوان گفته‌اند.

عدی بن حارثه، از قبیلهٔ «بنی مالک بن نجار» در شمار «مصریان» است. در سال ۴۶ ق به دستور معاویه فرماندار طرابلس شد و در سال ۴۷ ق به آفریقا حمله کرد و آن دیار را در زمرة بلاد اسلامی گردانید: *العابدة*، ج ۲، ص ۱۹۱. زرکلی از او با عنوان «صحابی خطیب» یاد کرده و گفته او در حالی که امیر «برقه» بود در همان وادی درگذشت و قبر او هنوز در دامنهٔ کوه سبز، مشهور است: *الاعلام*، ج ۳، ص ۳۶ و گاهی نیز به خاطر اسامی نیاکان نزدیکی «ابن مکرّم» و «ابن منظور» خوانده‌اند.

گروهی نیز او را به موطن اقامت وی شناخته و از او با عناوین «إفریقی» و «مصری» یاد می‌کنند. هم‌چنین ابن منظور نسب‌نامهٔ کامل خود را در کتاب *شهریرش لسان العرب* تا آدم ابوالبشر آورده است (ر.ک: *لسان العرب*، مدخل «جرب»).

مورخان در بارهٔ محل تولّد ابن منظور، هم‌داستان نیستند، اما همگی بر حضور او در قاهره، به عنوان کاتب دیوان انشاء و پس از آن در طرابلس غرب، به عنوان قاضی اتفاق نظر دارند (واقع در لیبی کنونی) (*دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۴، ص ۷۰۴).

گفتنی است که خاندان «أل مکرّم» هم اکنون در «تاجوراء» از توابع طرابلس غرب زندگی می‌کنند که ابن منظور قضاوت آن جا را عهده‌دار بوده است. مذهب او را شافعی (مختصر تاریخ دمشق لابن عساکر، ج ۱، ص ۱۱، مقدمه) و یا شیعی دور از تعصّب گفته‌اند.

ابن منظور، در اواخر عمر نابینا شد و در مصر دار فانی را بدرود گفت (همان، ص ۱۳).

۲. شخصیت علمی

بازخوانی سیاههٔ آثار علمی ابن منظور، گویای آن است که وی ادیب، لغوی، شاعر و محدّث بوده و در کنار اشتغالات علمی، منصب حکومتی قضاوت را نیز بر عهده داشته است.

او در طلیعهٔ کتاب *نثار الأزهار*، از دوران طفولیت خویش یاد می‌کند و ماجراهایی را از آن دوران بازگو نموده که نشان‌گر آن است که پدرش از نویسندگان و دانش‌مندان عصر خود و خانه پدری‌اش محلّ رفت و آمد عالمان آن دیار بوده است (همان، ص ۱۲). پرورش در چنین خانه‌ای، با علاقه‌مندی او به دانش عجین گشت و از محمّد بن مکرّم، دانش‌مندی سترگ و نوآور پدید آورد. مترجمان وی را با عبارت «کان فاضلاً... و کان کثیر الحفظ» ستوده‌اند (*قوآت الوفیات و الدلیل علیها*، ج ۴، ص ۳۹).

او دست کم از درس چهار استاد بیشتر بهره برده است:

الف. مرتضی بن ابی الجود حاتم بن مسلم حارثی (م ۶۳۴ ق)؛

ب. عبد الرحیم بن یوسف بن هبة الله بن الطفیل (م ۶۳۷ ق)؛

ج. یوسف بن عبد المعطی بن منصور بن المخیّلی (م ۶۴۲ ق)؛

د. علی بن حسین بن علی بن منصور بغدادی (م ۶۴۳ ق).

از سوی دیگر ذهبی، تقی الدین سبکی، و قطب الدین (فرزند مؤلف) از کسانی هستند که افتخار شاگردی ابن منظور را داشته‌اند.

تألیف‌ها

فرزندش قطب الدین گوید: «از پدرم پانصد دفتر نگاشته شده به خط خودش باقی مانده است و گفته شده کتاب‌هایی را نیز تلخیص کرده و یا تعلیق زده که شمار آن‌ها بالغ بر پانصد دفتر است.» این گفتار فرزند در حق پدر، بیشتر بوی مبالغه در تعریف می‌دهد تا بیان یک حقیقت. (الدرر الکامنه، ج ۵، ص ۳۲)

اما آن چه تا کنون به چاپ رسیده و یا نسخه خطی آن موجود است، شانزده اثر علمی است که بعضی از آن‌ها مانند **لسان العرب** بیش از ده جلد است.

«مایه عمده شهرت ابن منظور، لغت‌نامه بزرگ **لسان العرب** است. این کتاب به دلیل تفصیل و کثرت مواد لغات و فراوانی شواهد و توجیهات زبانی، در میان قاموس‌های زبان عربی بی‌همتاست. ابن منظور این اثر را بر مبنای **تهذیب اللغة** ابو منصور ازهری (م ۳۷۰ ق)، **المحکم و المحيط** ابن سیده (م ۴۵۸ ق)، **الصحاح** جوهری (م ۳۹۳ ق)، حواشی ابن بَری (م ۵۸۲ ق) بر **الصحاح** (التنبیه والایضاح عما وقع من الوهم فی کتاب الصحاح)، و **النهاية فی غریب الحدیث و الاثر** ابن اثیر (م ۶۰۶ ق) تألیف کرده است» (دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۷۰۴).

ادیب برجسته آل مکرّم، گاه‌گاه شعر نیز می‌سرود. ابن حجر، هشت بیت و ابن شاکر، یازده بیت (الدرر الکامنه، ج ۵، ص ۳۲ و ۳۳) از اشعار او را آورده‌اند (فوات الوفيات، ج ۴، ص ۳۹ و ۴۰).

سه بیت از اشعار او به روایت ابن حجر چنین است:

الناسُ قد ائتموا فینا بظنّهم	و صدقوا بالذی ادری و تدرینا
ماذا یضُرُّک فی تصدیق قولهم	بأن نحقق ما فینا یظنوننا
حملی و حملک ذنباً واحداً ثقةً	بالعفو أجل من اثم السوری فینا

۳. سبک‌های نگارشی ابن منظور

شیوه علمی نویسنده در بیشتر آثارش، در دو سبک قابل بررسی است:

الف. خلاصه‌نویسی

در قرن هفتم و هشتم، بسیاری از دانش‌مندان اهل سنت به تلخیص آثار پیشینیان خود روی آوردند. شاید بتوان گفت که ابن منظور از پیشتازان این فن در میان سنیان است. او بسیاری از کتاب‌های ادبی و تاریخی مفصل را تلخیص نمود.

- صفدی، از ترجمه‌نگاران قرن هشتم، در باره شیوه علمی ابن منظور می‌نویسد: «لا أعرَف فی الأرب و غیره کتاباً مطوّلاً إلّا و قد اختصره» (الدرر الكامنة، ج ۵، ص ۳۱).
- در این جا عناوین بعضی از کتاب‌های تلخیص شده او را می‌آوریم:
۱. اختصار کتاب الحيوان، للجاحظ (م ۲۵۵ ق).
 ۲. مختار الأغاني في الاخبار و التهاني.
 ۳. مختصر تاريخ مدينة دمشق، لابن عساكر (م ۵۷۱ ق).
 ۴. مختصر [ذيل] تاريخ بغداد للسمعاني (م ۵۶۲ ق).
 ۵. مختصر زهر الأداب و ثمرة الألباب، لأبي إسحاق الحصري القيرواني (م ۴۵۳ ق).
 ۶. مختصر صفة الصفة، لأبي الفرج ابن الجوزي (م ۵۹۷ ق).
 ۷. مختصر العقد الفريد، لابن عبد ربّه (م ۳۲۷ ق).
 ۸. مختصر مفردات، لابن البيطار (م ۶۴۶ ق) (موضوع این کتاب، علم پزشکی است).
 ۹. مختصر نشوار المحاضرة و أخبار المذاكرة (جامع التواريخ)، لابن علی التنوخی (م ۳۸۴ ق).
 ۱۰. المنتخب و المختار في النوادر و الاشعار.
 ۱۱. سرور النفس بمدارك الحواس الخمس، گزیده‌ای از فصل الخطاب احمد بن يوسف تيفاشي (مختصر تاريخ دمشق، ج ۱، ص ۱۵).

ب. جامع‌نگاری و دسته‌بندی

ابن منظور، دو کار فروگذار شده پیشینیان را سامان داد. نخست کوتاه‌نگاری (تلخیص) بعضی از آثار که مفصل بودن آن، خواننده را خسته و تلخیص آن ضرری به منظور و مقصود نویسنده نمی‌زد، و دوم، گردآوری و سامان‌دهی بعضی از آثار پیشینیان در یک مجموعه بزرگ است. او که خود لغوی و ادیب است بر این باور بود که اگر واژه‌پژوهان مجموعه نظریات را در باره یک واژه، یک جا ببینند، بهتر می‌توانند، معنای آن واژه را درک کنند. از این رو، کتاب **لسان العرب** را به (ر.ک: مقدمه لسان العرب) عنوان دایرة المعارفی بزرگ در لغت با سبک جامع‌نگاری و تبویب القبایی تدوین کرد. هم‌چنین گفته‌اند که او کتاب **أخبار أبي نواس** را نیز دسته‌بندی کرده است.

۴. مؤلف تاریخ دمشق

تنی چند از دودمان بنی عساكر به «ابن عساكر» مشهور شده‌اند. اما چهره درخشان این خاندان، ابو القاسم علی بن حسن بن هبة الله شافعی دمشقی (محرّم ۴۹۹ - رجب ۵۷۱ ق) است. او که برجسته‌ترین فرد این خاندان است، به سبب حفظ و روایت احادیث بسیار، فراوانی سفرهای

علمی و بهره‌مندی از مشایخ بزرگ و نیز تألیف اثر چشم‌گیر **تاریخ بزرگ دمشق** در شمار یکی از بزرگ‌ترین محدثان و حافظان عصر خویش است.

شمار مشایخ او را در حدیث بالغ بر ۱۳۰۰ مرد و بیش از ۸۰ زن نوشته‌اند. او در طول سال‌های ۵۲۰ تا ۵۳۳ به سفرهای علمی اشتغال داشت و از سال ۵۳۳ تا پایان عمر (نزدیک به چهل سال) به تألیف، تصنیف و تعلیم آموخته‌های خود پرداخت.

تاریخ مدینه دمشق، از جامع‌ترین کتاب‌ها در جغرافیای تاریخی و زندگی‌نامه دانش‌مندان بویژه محدثان و حافظان حدیث شهر کهن سال دمشق است که پس از کتاب‌های **تاریخ نیشابور** (حاکم نیشابوری)، **ذکر اخبار اصبهان** (ابو نعیم اصفهانی) و **تاریخ بغداد** (خطیب بغدادی)، در تاریخ شهرهای اسلامی نوشته شده است. شیوه نگارش و تدوین **تاریخ دمشق**، به ترتیب **تاریخ بغداد** است.

این کتاب، دارای پیش‌گفتاری است مفصل از پیشینه تاریخی دمشق، و زندگی‌نامه پیامبران، خلفا، والیان، فقیهان، محدثان، قاضیان، قاریان، ادیبان، شاعران و راویانی است که از دمشق و دیگر شهرهای دیار شام، چون بیروت، رمله، حلب و بعلبک، دیدار کرده‌اند.

این کتاب در زمان حیات مؤلف از شهرتی ویژه برخوردار شد به گونه‌ای که خود ابن عساکر در جامع دمشق و دار الحدیث نوریه تا پایان عمر به تدریس آن اشتغال داشت. پس از درگذشت او، پسرش کار پدر را دنبال کرد. این کتاب، اکنون به همت انتشارات «دار الفکر بیروت» در هشتاد جلد به *(دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، ص ۲۹۱ - ۲۹۳)* متن فوق تلخیصی از مطالب این منبع است) چاپ رسیده است.

بخش دوم: کتاب «مختصر تاریخ دمشق»

۱. نام کتاب

این کتاب، فاقد مقدمه است ولی خوش‌بختانه نسخه دست‌نوشته مؤلف موجود است. او در سطر نخست این اثر، نوشته است: «مختصر تاریخ دمشق لابن عساکر».

۲. محتوای کتاب

برای آشنایی با مطالب این کتاب، بایستی نخست با کتاب **تاریخ دمشق** آشنا شویم. ابن عساکر، خود مدعی است که در تدوین مطالب کتاب، وام‌دار خطیب بغدادی (م ۶۴۳ ق) در **تاریخ بغداد** است. و خطیب در مقدمه بسیار کوتاه خود در یک خط، نمای کلی کتابش را برای خواننده ترسیم می‌کند: «این کتاب، بیان‌کننده تاریخ مدینه السلام (بغداد) و اخبار مربوط به بناها، بزرگانی که در

آن ساکن بودند و یادکردی از کسانی که به این شهر وارد شده، و اسامی دانش‌مندان بغداد است» (تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۳).

و ابن عساکر نیز در مقدمه کوتاه خود، در چند سطر محتوای کتاب خویش را با تفصیل بیشتری بیان می‌کند:

و هو کتاب مشتمل علی ذکر من حلها من أمائل البرية أو اجتاز بها أو بأعمالها من ذوی الفضل و المزید، من أنبیائها و هدایها، و خلفائها، و ولایها، و فقهایها و قضایها، و علمایها و درایها، و قرائها، و نحایها، و شعرائها، و رواایها من أمائها، و أنبائها و ضعفائها و ثقایها. و ذکر ما لهم من ثناء و مدح. و اثبات ما فیهم من هجاء و قدح... و تعریف ما عرفت من موالیدهم و وفایهم (تاریخ مدینه دمشق، ج ۱، ص ۴ و ۵).

ابن منظور نیز بدون آن که ساختار کلی و محتوای اصلی کتاب را تغییر دهد، همان راهی را پیموده که ابن عساکر آغازگر آن بوده است.

یادآوری سه نکته:

الف. یادآوری این نکته ضروری است که گونه‌ای از کتاب‌های رجالی اهل سنت، رجال شهرهاست. و کتاب‌هایی هم چون اخبار مکه (از ازرقی و فاکهی، در دو اثر جداگانه)، اخبار المکین، أخبار المدینه، تاریخ بغداد، تاریخ مدینه دمشق، تاریخ جرجان، تاریخ اصبهان، تاریخ واسط، تاریخ نیشابور و... همگی در شمار کتاب‌های رجال شهرها هستند. (موضوع این نوع کتاب‌ها، تنها محدثان و راویان احادیث نیست؛ بلکه شامل فقها، شعرا و ادبا نیز می‌گردد. لیکن چون اغلب مؤلفان این نوع کتاب‌ها، خود از محدثان مشهور بوده‌اند، به شرح حال راویان و محدثان عنایت ویژه‌ای داشته‌اند. به همین جهت، این گونه کتاب‌ها در شمار مصادر علم رجال محسوب گردیده‌اند (دانش رجال از دیدگاه اهل سنت، ص ۱۸۷).

ب. با توجه به آن چه گذشت، باید به این نکته توجه داشت که این گونه آثار در شمار پژوهش‌های رجالی گذشتگان است. و با دقتی بیشتر بایسته است که این گونه کتاب‌ها را در زمره کتب تراجمی ارزیابی نمود که علم رجال نیز از بخش‌های مربوط به راویان آن‌ها بهره‌مند می‌شود.

ج. پیشوند «تاریخ» در بیشتر آثار کهن سنّیان، بیان‌گر رجالی بودن آن اثر است. مانند تاریخ کبیر، تاریخ اوسط و تاریخ صغیر، هر سه از بخاری. البته این قاعده در تمام آثار و زمان‌ها جاری

نیست چه این که آثار دانش‌مندی هم‌چون ابن خلدون، طبری، یعقوبی، خلیفه بن خیاط، ذهبی و... تاریخ هستند.

۳. ساختار دو کتاب

الف. بخش مقدماتی

ابن عساکر در تاریخ دمشق، نخست روایاتی را بیان کرده که گویای جایگاه و شرافت اهالی و ساکنان شام است. او در این مجموعه، احادیثی را آورده که شام را در مرتبه سوم (پس از مکه و مدینه) دانسته و آن را نسبت به سایر اقطار زمین، ممتاز معرفی کرده است. این مجموعه روایات، در دو بخش کلیاتی در باره شام و فضیلت ویژه دمشق تنظیم شده است.

البته مجموعه روایات پیش‌گفته، تنها دو جلد از مجموعه هشتاد جلدی کتاب تاریخ مدینه دمشق است. بخش نخست (کلیاتی در باره سرزمین شام) شامل ۲۴ باب و ۱۹۷ صفحه است.

ابن منظور نیز در مختصر تاریخ دمشق این بخش را بدون آن که از بخش دوم به گونه‌ای ممتاز سازد، تلخیص کرده و شمار ابواب آن تقریباً با کتاب اصلی همان است (ظاهراً یک باب بیشتر آورده است) و در ۶۱ صفحه تلخیص کرده است (حدوداً یک سوم).

ب. بخش اصلی

ابن عساکر در بخش اصلی کتاب، اسامی و روایات علماء اعیان و اعلام شام را با ترتیب الفبایی (با این که نام کتاب تاریخ دمشق است، اما مؤلف گستره پژوهش خود را به کل شام سرایت داده است) آورده است. و با پیروی از شیوه رجال‌نویسان، برای تبرک جستن به پیامبر اکرم ﷺ در حرف «الف» اسامی کسانی را که نام ایشان «احمد» بوده بر دیگران مقدم داشته است.

و پس از مدخل «احمد»، ترتیب الفبایی صحیح را در اسامی افراد (در سه حرف نخست اسامی) و نام‌های پدر و اجدادشان رعایت کرده است. این شیوه او - چنان چه خودش هم یاد آوری کرده - صرفاً برای آسان‌یاب بودن اسامی به انجام رسیده است.

بنا بر این، در کتاب تاریخ دمشق، ابتدا اسامی احمد، سپس اسامی ابان و بعد ابراهیم و... آمده است. او بخش اصلی کتابش را به سه قسمت تقسیم کرده است: نام‌ها، کنیه‌ها و زنان.

از جمله ویژگی‌های تاریخ دمشق و به تبع آن مختصر تاریخ دمشق، آن است که چون نخستین نام، نام مبارک پیامبر خداست، به طور مفصل، سیره آن بزرگوار را با شیوه حدیثی خود تبیین کرده است.

تاریخ مدینه دمشق، در هشتاد جلد به چاپ رسیده که جلد یک و دو در باره شام و دمشق، و جلد سه و چهار در باره پیامبر، و مجلدات ۵ تا ۷۴ اسامی و روایات بزرگان و مشاهیر شام است. گفتنی است که مجلدات ۷۱ تا ۷۴ مستدرک‌هایی است که در انتقال متون از نسخه خطی به

چاپی مورد غفلت ناشر قرار گرفته است. و مجلّات ۷۶ تا ۸۰ نیز به فهرس کتاب اختصاص دارد. (در جلد ۴۲ زندگی نامه روایی امام علی □، جلد ۴۱ زندگی نامه روایی امام زین العابدین □ و جلد ۵۴ زندگی نامه روایی امام باقر □ را گرد آورده است).

در مجموعه تاریخ مدینه دمشق، احوال و روایات ۱۰۲۲۶ نفر گرد آوری شده است. اما ابن منظور، در مختصر تاریخ دمشق، تا حدودی ساختار اصلی کتاب (نام‌ها، کنیه‌ها و زنان) را تغییر داده است و اسامی زنان را از پایان کتاب، به پایان حروف منتقل کرده است. بنا بر این، در پایان هر مدخل، اسامی زن‌هایی که با آن حرف نام‌شان آغاز می‌شود دیده می‌شود. مثلاً در پایان حرف «الفاء»، بخشی به نام «أسماء النساء علی حروف الفاء» باز نموده و اسامی فاخته، فاطمة و فسیله را آورده است (ر.ک: مختصر تاریخ دمشق لابن عساکر، ج ۲۰، ص ۳۵۱ - ۳۶۷).

گفتنی است مختصر تاریخ مدینه دمشق در ۲۹ جلد به چاپ رسیده که جلد اول آن فضائل شام و خط دمشق، و جلد دوم آن «السیرة النبویة» است. و از جلد ۳ تا ۲۹ نیز اسامی راویان، مشاهیر و بزرگان شام و زندگی آن‌ها و مرویاتشان است.

ابن منظور در تلخیص خود، احوال و روایات سه هزار نفر را حذف کرده است. در این که قلم او به خطا رفته یا اعتقادش بر این بوده، هیچ اطلاعی در دست نیست. محقق معاصر، محمود الأرنؤوط، در کتاب تکملة مختصر تاریخ دمشق لابن عساکر (۷ جلد) احوال و روایات سه هزار نفر جا افتاده، را تقریباً به سبک ابن منظور بازیابی کرده است.

۴. شیوه ارائه محتوا

ابن عساکر در تاریخ دمشق پس از یادکرد هر نام، نسب او، شهرت، موطن، ویژگی‌های سیاسی، اساتید و شاگردان نام برده را بیان می‌کند. و در مرحله بعد تعدادی از روایات نبوی را که فرد نام‌برده روایت کرده است، بیان می‌کند. تمامی روایات این بخش، با سند متصل مؤلف تا پیامبر خداست. هم‌چنین ابن عساکر در معرفی افراد از کلمات بزرگان در باره فرد مورد شرح نیز سود جسته که آن‌ها را نیز با سند کامل خود تا گوینده ذکر کرده است. در پایان معرفی هر فرد، تاریخ وفات او را به صورت مستند، گزارش می‌کند.

مؤلف در نقل روایات، طرق تحمل خویش (اخبرنا، أنبانا، قرأت و ...) را هم بیان کرده است. به عنوان نمونه، شیوه معرفی امام باقر □ را از تاریخ مدینه دمشق (ج ۵۴، ص ۲۶۸، ش ۶۷۸۱) بیان می‌کنیم:

محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف أبو

جعفر الهاشمي باقر العلم، من أهل مدينة.

أوفده عمر بن عبد العزيز عليه حين ولي الخلافة يستشيره في بعض أموره.

روی عن أبيه، و جابر بن عبدالله و أنس بن مالك، و أبي سعيد الخدري و عبدالله بن عباس و...
روی عنه عبد الرحمن بن هُرْمَز الأعرج و هو أسنّ منه، و ابنه جعفر بن محمد، و الزهري، أبان
بن تغلب و... .

أنبأنا أبو عبد الله الحسين بن نصر بن خميس الموصلي، أنبأنا... عن أبي الزبير قال: كنا عند جابر
بن (در متن کتاب تمام واسطه‌های در سند که ۹ نفر هستند آمده است. به جهت اختصار
حذف کردیم (ن. ک: ج ۵۴، ص ۲۷۶) عبدالله، فدخل عليه علي بن الحسين ومعه ابنه، فقال
[جابر]: من هذا يابن رسول الله؟ قال: ابني محمد. فضمه جابر إليه و بكى، ثم قال: اقترب
اجلي يا محمد! رسول الله يقرئك السلام. فستل و ما ذاك؟ قال: سمعت رسول الله يقول
للحسين بن علي: انه... (ادامه متن طولانی است. ر.ک: همان جا).

ابن منظور چپش داخلی سبک ابن عساكر را تغییری نداده است. تنها در شیوه تلخیص او
مطالبی هست که به زودی بیان خواهیم کرد.

۵. شیوه گزیده‌نویسی ابن منظور

شیوه تلخیص ابن منظور در مجموع کتاب، در عناوین ذیل قابل دسته‌بندی است:

الف. باب‌ها

در دو جلد نخست (فضائل شام و سیره نبوی)، از مقایسه تطبیقی عناوین ابواب تاریخ مدینه دمشق
و مختصر تاریخ دمشق، در می‌یابیم که ابن منظور در نظر داشته تا تمام ابواب را احیا کند و
گزیده‌نویسی خود را در بیشتر متون اجرا نماید.

البته این احتمال نیز وجود دارد که نسخه‌ای که در دست ابن منظور بوده، با آن چه از تاریخ
دمشق در دست ماست، تا حدودی متفاوت باشد و چنین تفاوت‌های اندک در گذر زمان و آثار
خطی، بسیار طبیعی است.

به هر صورت، در این جا پنج باب نخست بخش اول کتاب تاریخ مدینه دمشق را با مختصر
تاریخ دمشق تطبیق داده و از نظر می‌گذرانیم.

پنج باب تاریخ مدینه دمشق (ابن عساكر)، چنین است:

۱. باب فی ذکر أصل اشتقاق تسمية الشام عن العالمين.

۲. باب تاریخ نباء مدینه دمشق و معرفة من بناها و حکایة.

۳. باب اشتقاق اسم التاريخ و أصله و سببه و ذکر الفائدة الداعية إلى الاعتناء به.

۴. باب فی مبتدأ التاريخ و اصطلاح الامم علی التواريخ.

۵. باب ذکر اختلاف الصحابة في التاريخ.

پنج باب نخست مختصر تاریخ مدینه دمشق (ابن منظور) عبارت‌اند از:

۱. باب اشتقاق اسم التاريخ و الفائدة بالعناية به.

۲. باب في مبتدأ التاريخ و اصطلاح الأمم عليه.

۳. ذکر اختلاف الصحابة في التاريخ و ما نقل فيه من الاتفاق منهم.

۴. ذکر تاریخ الهجرة.

۵. القول في تسمية الأيام و الشهور.

چنان‌چه ملاحظه می‌شود، ابن منظور ترتیب ابن عساکر را رعایت نکرده و در بازنویسی عناوین نیز تصرفاتی انجام داده است. البته باید بگوییم که او هیچ بابی را حذف نکرده است. به عنوان نمونه، باب اول و دوم تاریخ دمشق را در رتبه هفتم و هشتم ابواب با عناوین «ذکر أصل اشتقاق تسمية الشام» و «ذکر تاریخ مدینه دمشق و معرفة من بناها» آورده است. با نگاهی به ابواب، این گمانه خود‌نمایی می‌کند که گویا ابن منظور در تلخیص کتاب، اولاً تنظیم منطقی را در ذهن می‌پرورانده است. و ثانیاً تصرفات را تا این اندازه (جا به جایی ابواب) حق‌گزیده‌نویس می‌داند. (این گمانه بر این پایه استوار است که نسخه ابن منظور، دقیقاً همان نسخه تاریخ دمشق موجود باشد)

ب. نام‌ها

بنا به ادعای محقق کتاب تکملة مختصر تاریخ دمشق، اسامی سه هزار نفر از کسانی که در تاریخ دمشق آمده است، توسط ابن منظور حذف شده است.

محقق مذکور به صورت تلویحی، آن را ناشی از اشتباه سهوی مؤلف دانسته است. اما نگارنده این سطور، پس از بررسی تطبیقی چندین مجلد از تاریخ دمشق و مختصر آن (به عنوان نمونه مجلدات ۱ و ۲ از تاریخ دمشق با جلد ۱ از مختصر، و مجلد ۵۴ از تاریخ دمشق با جلد ۲۳ از مختصر) احتمال می‌دهد که شیوه کلی ابن منظور در تلخیص آن بوده که یک سوم از کتاب ابن عساکر را حذف کند. مقایسه اجمالی و تفصیلی بخش‌های متعدد کتاب، بر این ادعا گواه است.

بنا بر این، با توجه به این‌که شمار اصلی تعداد مترجمین در تاریخ دمشق ۱۰۲۲۶ نفر است، حذف سه هزار نفر نمی‌تواند طبیعی و سهوی باشد. و او بدین ترتیب دو سوم اسامی را آورد و یک سوم آن را برای اختصار حذف نموده است و بر قاعده تلخیص خود وفادار مانده است.

ج: متن‌ها

بخش اصلی مختصرنویسی ابن منظور، در این بخش است. برای دست‌یابی به شیوه تلخیص او چندین قسمت از کتاب وی با کتاب ابن عساکر به صورت اجمالی مقابله شد. (همان جا) پیش از دسته‌بندی اطلاعات به دست آمده در این بخش، قسمتی از ترجمه امام باقر □ را که پیش‌تر در قسمت «شیوه ارائه محتوا» از کتاب تاریخ مدینه دمشق آوردیم، از کتاب مختصر تاریخ دمشق می‌آوریم تا خوانندگان با مقایسه این دو بخش، به شیوه کوتاه‌نگاری ابن منظور واقف گردند (ج ۲۳، ص ۷۷، ش ۱۱۲).

محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب الباقر.

ابو جعفر الهاشمی

باقر العلم

أوفده عمر بن عبد العزيز عليه حين ولي الخلافة، يستشيره في بعض أمور.

حدّث عن جابر بن عبد الله قال: كان رسول الله □ إذا وقف ...

در مجموع، شیوه تلخیص متنی ابن منظور در این کتاب بر محورهای ذیل استوار است:

۱. تلخیص نسب‌نامه. بیشتر اسامی انساب، در حلقه‌های بالا حذف شده است.
۲. توضیحات. موطن اصلی مترجم، اتفاق‌های مهم و محل‌های سماع او معمولاً حذف گردیده است.
۳. نام شاگردان و برخی اساتید. نام شاگردان، اصلاً نمی‌آید، ولی نام بعضی از اساتید به گونه‌ای ظریف آمده است.

ابن عساکر در ابتدا ذیل عنوان «روی عن» اساتید مترجم را نام می‌برد، ولی ابن منظور اصلاً چنین بخشی ندارد. اما گاهی در روایتی که از مترجم نقل می‌کند، نام استاد او را در ابتدا می‌آورد.

د. سندها

فاصله زمانی ابن عساکر با عصر نبوی و احتیاط او در این که حتی تاریخ‌ها را با سند خویش بیان کند، سبب شده که اثر او بسیار مطول و خسته‌کننده شود. ابن منظور، تمام اسانید را حذف کرده است. بنا بر این، همه روایات کتاب مختصر تاریخ دمشق، مرسل است.

این کار سبب شده که حجم زیادی از کتاب ابن عساکر که برای خوانندگان عمومی فایده‌ای نداشت، حذف گردد و امروزه ما مختصر تاریخ دمشق را برای مطالعه بسیار مطلوب‌تر می‌یابیم. بویژه این که ابن عساکر در بسیاری از احادیث، چندین سند طولانی را برای یک متن ارائه می‌کند.

ه. احادیث مشابه

اهل سنت، ملاک تعدّد حدیث را، متن و سند می‌دانند و اگر متن روایتی چندین سند داشته باشد، هر کدام را یک حدیث می‌شمارند. از این رو، چند روایت متشابه‌المتن را به دلیل داشتن سندهای متفاوت، جداگانه نقل می‌کنند و این باعث تکرار متون احادیث می‌شود (بویژه در مسانید و مصنف‌ها). و ابن عساکر از این شیوه در کتابش استفاده کرده است.

ابن منظور در مختصرنویسی خویش که اصلاً به نقل اسانید پای‌بند نیست، نسبت به متون متشابه نیز روش تلخیص را پیش گرفته و از میان این متون متشابه، کامل‌ترین و بهترین متن را انتخاب و نقل کرده و سایر متون را همراه اسانید حذف کرده است.

مبنای ابن منظور

اکنون که با آیین‌نامه نانوشته ابن منظور آشنا شدیم، وقت آن است که مبنای او را استخراج کنیم.

او در گزیده‌نویسی خویش سعی نموده تا کمال دقت را در حفظ امانت از خود به نمایش گذارد.

مبنای اصلی وی بر این قاعده استوار است که «انتظار مخاطب» را از کتاب تاریخ دمشق پاسخ‌گو باشد. بنا بر این، بدون انگیزه‌های آلوده، سعی کرده تمام پایه‌ها و بنیان‌های کتاب مبدأ را حفظ کند.

البته او در این تلاش، کتاب تاریخ دمشق را از یک کتاب رجالی — حدیثی تا حدودی دور ساخته، اما گزارش‌های آن را تا آن جا که مختصرنویسی اقتضا می‌کند حفظ کرده است.

مثلاً در همان ترجمه امام باقر □ نام، نسب (مختصر)، ویژگی سیاسی و کلماتی را که از ایشان به عنوان گزارش‌گر تراش نبوی هست، را بیان کرده است. و حتی مطالبی را که بزرگان عصر آن حضرت، در رثای ایشان گفته‌اند را نیز آورده است (قال عبد الله بن عطاء: ما رأيت العلماء عند أحد اصغر علما منهم عند أبي جعفر. لقد رأيت الحكم عنده كأنه متعلم. قال عبد الله بن يحيى البزار: رأيت عليّ أبي جعفر محمد بن عليّ، إزاراً أصغر، و كان يصلّي كلّ يوم و ليلة خمسين ركعةً بالمشقوبة).

حجم

چنان چه گذشت، مختصر تاریخ دمشق، یک سوم کتاب تاریخ مدینه دمشق است. و این تلخیص در تمام بخش‌ها تقریباً هویداست. مثلاً در کلیات جلد اول در باره شام، ابن منظور ۱۹۷ صفحه متن را به ۶۱ صفحه و مطالب ۳۲ صفحه‌ای ابن عساکر را در بخش ترجمه امام باقر □ به ۱۰ صفحه رسانده است. حجم کلی صفحات چاپ شده دو اثر نیز مؤید همین ادعاست.

کتابنامه

- اسد الغابة، ابن اثیر، بیروت: دار الکتب العربی.
- الاعلام قاموس الرجال، خیر الدین زرکلی، بیروت: دار العلم للملایین.
- تاریخ بغداد، ابوبکر احمد بن علی الخطیب البغدادی، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- تاریخ مدینة دمشق، ابوالقاسم علی بن حسن (ابن عساکر)، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الفکر.
- تکملة مختصر تاریخ دمشق لابن عساکر، ابن منظور، تحقیق: محمود الأرناؤوط و یاسین محمود خطیب، دار الفکر.
- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر: کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- دانش رجال از دیدگاه اهل سنت، محمد رضا جدیدی نژاد، قم: دار الحدیث.
- ذرر الكامنة فی أعیان المائة الثامنة، احمد بن حجر عسقلانی، دار الکتب الحدیثة.
- قوآت الوفیات و الدلیل علیها، محمد بن شاکر الکتبی، بیروت: دار صادر.
- لسان العرب، ابن منظور، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مختصر تاریخ دمشق لابن عساکر، ابن منظور، بیروت: دار الفکر.

الاجت
الاشیاء

دو فصلنامه پژوهشی - اطلاع رسانی • شماره هشتم و نهم - پاییز ۸۸ - تابستان ۸۹

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی